

علل و موانع توسعه جزیره ابوموسی

دکتر محمد باقر قالیباف^۱ و مهدی میرزاده کوهشاهی^۲

چکیده

توسعه فرایندی همه جانبه است که در تحقق آن عوامل و متغیرهای مختلف محیطی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دخیل است. هرچند که نقش و وزن هر یک از این عوامل در هر ناحیه با نواحی دیگر متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه فرایند توسعه غالباً نامتوازن است، به طوری که توسعه نامتوازن را می توان یکی از شاخصهای کشورهای در حال توسعه معرفی کرد. این امر در ایران نیز به وضوح قابل رویت است، تا جائی که برخی نواحی از لحاظ توسعه دارای وضعیت مناسبی هستند که در آنها ضمن استفاده از توانهای محیطی، شاخصهای توسعه نیز وضعیت مطلوبی نشان می دهند، اما در برخی نواحی دیگر، به رغم وجود توانهای طبیعی، عکس این حالت صادق است. هدف از این پژوهش شناخت علل و موانع دخیل در توسعه نیافتگی جزیره ابوموسی است که در این راستا در مرحله اول به بررسی وضعیت توسعه نیافتگی این جزیره می پردازیم و سپس عوامل و متغیرهایی که سبب توسعه نیافتگی آن شده اند را مورد کنکاش قرار می دهیم. فرض نویسندگان مقاله بر این است که توسعه نیافتگی جزیره ابوموسی محصول عوامل مختلف محیطی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی نشأت گرفته از شرایط محلی، ملی و بین المللی است. شواهد این بررسی از میان داده های برآمده از آمارهای رسمی، اظهارات مسئولان ذیربط و مصاحبه جمع آوری شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که در ابتدا به توصیف وضع موجود جزیره پرداخته و در ادامه ارتباط متغیرهای مختلف را در توسعه نیافتگی جزیره نشان می دهد. نتیجه بررسیها نشان می دهد که مجموعه ای از عوامل و موضوعات سیاسی نظیر وضعیت مالکیت جزیره، روابط ایران با امارات متحده عربی و کشورهای عربی و غربی و ضعف سیاستگذاری کلان، همچنین مسائل امنیتی چون اهمیت نظامی جزیره و تهدیدات خارجی، به همراه پاره ای مسائل جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی نامساعد، ناپایداری جمعیت و انزوای جغرافیایی سبب توسعه نیافتگی این جزیره شده اند که در این میان، برخی عوامل نظیر موقعیت جغرافیایی دارای اهمیت بیشتری هستند و سبب تشدید عوامل دیگر شده اند. این مقاله حاصل پژوهش در چاقوب یک پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی قابلیت ها و موانع توسعه استان هرمزگان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران است.

کلیدواژگان: توسعه؛ توسعه نیافتگی؛ جزیره ابوموسی؛ استان هرمزگان.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

مقدمه

کشورها برای رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه و پیشرفت ناگزیرند از حداکثر توان‌های طبیعی و انسانی خود استفاده کنند. اگرچه دولت‌ها در بسیاری موارد نمی‌توانند به تنهایی و بدون اتکاء به شهروندان باعث توسعه یک محیط و منطقه جغرافیایی شوند اما با توجه به درآمدهای کلان و همچنین انحصار قدرت تصمیم‌گیری در غالب مواردی که تصمیم به توسعه یک منطقه جغرافیایی گرفته‌اند، موفق بوده‌اند. این امر به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری پیدا کرده است. همان‌طور که گفته شد در بسیاری موارد نیز آنها به‌رغم آن‌که در تصمیم خود مصمم بوده‌اند در این زمینه توفیقی نیافته‌اند چرا که عوامل متعددی مانع از آن شده است که نظام حاکم بتواند تصمیمات خود را به نحو احسن اجرا کند. در این موارد پاره‌ای از مسائل محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی قدرت عمل و مانور را از نظام حاکم گرفته و مانع رسیدن به اهداف آن می‌شود، خواه عوامل محلی و منطقه‌ای نظیر توان‌های محیطی نامناسب و مدیریت نامناسب و خواه فشارهای خارجی مانع اجرای اهداف و تصمیمات دولت شوند، در هر صورت منطقه جغرافیایی مورد نظر توسعه نمی‌یابد.

جزیره ابوموسی که یکی از بزرگ‌ترین جزایر ایران در خلیج فارس است دارای اهمیت راهبردی بسیار بالایی است. این جزیره به همراه جزایر تنب بزرگ و کوچک تشکیل مثلی را می‌دهند که عبور و مرور کلیه کشتی‌ها به داخل خلیج فارس باید از این مثلث صورت بگیرد (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۱۶). جدای از آن، این جزیره دارای معادن آلی و کانی بسیاری است، از جمله می‌توان به خاک سرخ اشاره کرد که در صنایع رنگ‌سازی به کار می‌رود. همچنین نفتی که از میدان نفتی مبارک در نزدیکی این جزیره استخراج می‌شود، مرغوب‌ترین نفت منطقه خلیج فارس است. آب‌های اطراف این جزیره نیز منبع بزرگی از انواع ماهی‌ها و آبزیان است که توسط صیادان کشورهای منطقه صید می‌شوند. علاوه بر موارد فوق جزیره دارای توان‌های اقتصادی دیگری از جمله گردشگری است اما با همه موارد فوق این جزیره به سطح مطلوبی از توسعه نرسیده است.

توسعه و توسعه‌نیافتگی موضوعاتی هستند که مورد توجه دانشمندان علوم مختلف قرار گرفته‌اند به همین دلیل تعاریف متعدد و متفاوتی از آنها ارائه شده است. بارزترین بخش این تعاریف توجه دانشمندان به خاستگاه علمی و رشته تخصصی خود در ترسیم وضعیت توسعه است. نتیجه این امر مورد توجه قرار دادن موضوعات مورد مطالعه خود در تعریف توسعه است. چنان‌که برخی اقتصاددانان توسعه را توسعه اقتصادی تعریف کرده‌اند و دانشمندان علوم سیاسی بیشتر بر توسعه سیاسی تأکید کرده‌اند. که این برجسته کردن موضوعات سبب اهمیت برخی ابعاد نسبت به ابعاد دیگر از نظر دانشمندان شده است و در پی آن قائل به تقدم و تأخر برخی از ابعاد و جنبه‌ها نسبت

به یکدیگر شده‌اند. چنان‌که برخی به اهمیت توسعه اقتصادی نسبت به سایر جنبه‌های توسعه معتقدند و توسعه اقتصادی را زیربنای سایر جنبه‌ها می‌دانند از سویی برخی عوامل و مؤلفه‌های دیگری نظیر امنیت را مقدم بر عوامل اقتصادی می‌دانند. تعدادی از دانشمندان نیز، توسعه را پدیده‌ای چند بعدی، پیچیده و شامل جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌دانند و تقدم و تأخری برای هیچ‌یک از این جنبه‌ها قائل نمی‌شوند و تأکید بر یکی از آنها را مردود می‌شمارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۹).

به‌طور کلی توسعه را می‌توان فرایندی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعریف کرد که نتیجه آن ایجاد نوعی ارتقای همه جانبه استانداردهای زندگی برای اکثریت افراد جامعه است (هودر، ۱۳۸۵: ۵) اما برخی دانشمندان بر این باورند که توسعه فرایندی است که نتیجه آن رشد اقتصادی است. تعریف فوق در بر دارنده این مفهوم است که در یک محیط جغرافیایی، سازمان حاکم باید تدابیر لازم را به کار بندد تا حداکثر استفاده را از توان‌های محیط برای رشد اقتصادی و کسب سود به عمل آورد که این رشد اقتصادی بستر لازم را برای سایر جنبه‌های توسعه فراهم کند. همان‌طور که بیان شد با توجه به تعریفی که از توسعه ارائه می‌شود عوامل و متغیرهای مختلفی در حصول به آن مؤثرند اما به‌طور کلی می‌توان عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و امنیتی را مهم‌ترین عوامل و متغیرهای دخیل در توسعه دانست.

یافته‌های پژوهش

موقعیت و ویژگی‌های جزیره ابوموسی

جزیره ابوموسی که ابوموسی، بابا موسی و گپ سبزو نیز نامیده می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۷۴: ۴۲). آخرین بخش از خاک ایران در جنوب کشور محسوب می‌گردد و با مساحت تقریبی ۱۲/۸ کیلومتر مربع قسمتی از استان هرمزگان است. این جزیره از شمال به جزیره تنب کوچک با فاصله ۲۴ مایلی (۴۵ کیلومتر)، از شمال شرقی به جزیره تنب بزرگ با فاصله ۲۸ مایلی (۵۳ کیلومتر)، از شمال غربی با جزایر فارور و فارورگان به ترتیب با ۳۵ مایلی (۶۵ کیلومتر) و ۳۷ مایلی (۶۸ کیلومتر) و از غرب به جزایر سیری با فاصله ۲۵ مایلی (۴۶ کیلومتر) نزدیک است، فاصله این جزیره تا بندرعباس ۲۱۳ کیلومتر و تا بندر اماراتی شارجه ۶۵ کیلومتر می‌باشد (گلوردی، ۱۳۸۱: ۴-۳). گرچه تعداد ساکنان این جزیره متغیر است و در مواقع مختلف نوسان دارد اما بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۸۵ جمعیت این جزیره برابر با ۳۰۵۲ نفر بوده است (سالنامه آماري استان هرمزگان، ۱۳۸۶: ۵۶). این جزیره از سال ۱۳۶۱ ه.ش بدین سو مرکز شهرستان

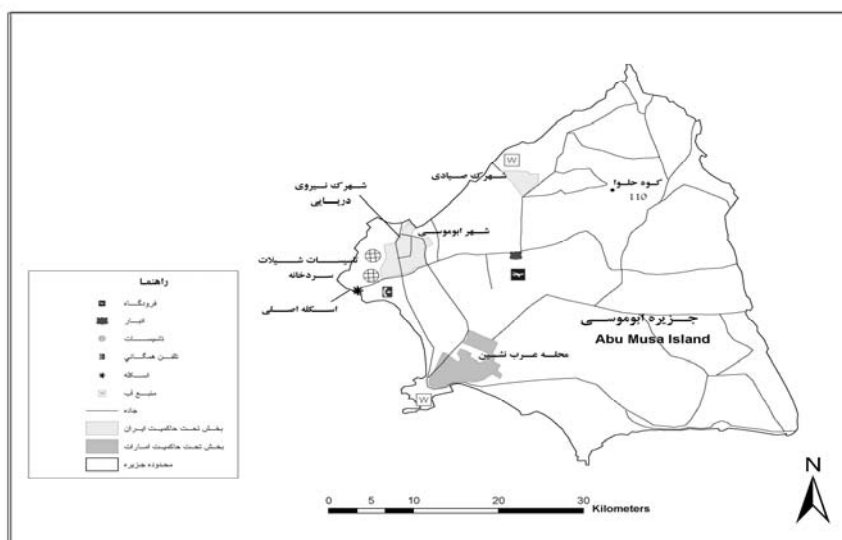
ابوموسی می‌باشد البته انتخاب آن بیش از آن که تحت‌تأثیر عوامل و معیارهایی چون جمعیت باشد، تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی بود.

از نظر سرزمینی جزیره به دو بخش تقسیم می‌شود:

- بخش اعظم جزیره که در اختیار ایران است و شهر ابوموسی در آن واقع شده است. در این بخش بناها و تأسیسات مختلفی با کاربری اداری، نظامی، خدماتی، اقتصادی و آموزشی بنا شده که بزرگ‌ترین آنها دو شهرک مسکونی فرمانداری و صیادان می‌باشد؛ بیشتر این تأسیسات در دهه گذشته ایجاد شده است و بسیاری از آنها بیش از آنکه کاربری واقعی داشته باشد با اهداف سیاسی ایجاد شده اند و حالتی نمادین دارند^۱
- بخش اماراتی که شهرک کوچکی را تشکیل می‌دهد و دارای امکانات اندکی است. ساکنین این بخش در گذشته تبعه امیرنشین شارجه بوده و در حال حاضر اتباع کشور امارات محسوب می‌شوند.

نیروهای نظامی و امنیتی ایران کنترل کامل جزیره را در اختیار دارند و اتباع امارات حق تردد در سایر نقاط جزیره را ندارند به همین دلیل بین دو بخش جزیره به‌ندرت ارتباطی صورت می‌گیرد و صرفاً به موارد اضطراری محدود می‌شود.

نقشه (۱): جزیره ابوموسی به همراه تأسیسات خدماتی



۱. دانشگاه پیام نور این جزیره یکی از این بناهاست این چرا که همه کادر آموزشی، اداری و دانشجویان که تعداد آنها نیز بسیار کم است همواره از بندر عباس به این جزیره رفته و پس از اتمام کار خود مجدداً به این شهر بر می‌گردند.

وضعیت توسعه یافتگی ابوموسی

برعکس بسیاری از جزایر مسکونی و بزرگ ایران در خلیج فارس مانند کیش و قشم که از رونق خوب و سطح توسعه مطلوبی برخوردارند و روند توسعه همه جانبه آنها با محوریت توسعه اقتصادی در سالیان اخیر رشد چشمگیری یافته است، ابوموسی همچنان در شرایط بسیار ابتدایی و نامطلوبی از لحاظ توسعه قرار دارد. بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده در پژوهشی که به توسط استانداری هرمزگان در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است و همچنین بررسی‌های میدانی، این جزیره دارای وضعیت نامطلوبی است. بر اساس هیچ‌کدام از تعاریف مذکور نمی‌توان آن را توسعه یافته نامید، هرچند که منظور ما از توسعه هر دو تعریف به صورت توأمان است. چرا که تا زمانی که یک جامعه‌ی هرچند کوچک نتواند استانداردهای زندگی را در ابعاد مختلف به سطح مطلوبی برساند، قطعاً نمی‌تواند رشد اقتصادی پایدار داشته باشد. این پژوهش را نیز ما با چنین رویکردی دنبال می‌کنیم.

بر اساس پژوهش صورت گرفته با استفاده از روش تاکسونومی که چکیده آن در جدول شماره (۱) آمده است، رتبه شهرستان‌های استان هرمزگان در شاخص‌های بخش‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفته است که برای سنجش این امر از ۱۵۱ شاخص استفاده شده است و این شاخص‌ها طوری انتخاب شده اند که بیانگر برخورداری شهرستان‌های استان از امکانات و تسهیلات ایجاد شده استانی می‌باشند و در نهایت به ترتیب عدد به‌دست آمده در بخش مورد نظر رتبه آن شهرستان نسبت به سایر شهرستان‌ها مشخص می‌شود در این زمینه با استفاده از فرمول‌های موجود اعداد به‌دست آمده برای همه شهرستان‌ها را به‌دست آورده و بزرگترین عدد مشخص کرده و مقدار آن «ایده آل» نامیده می‌شود البته زمانی بزرگترها به‌عنوان ایده آل انتخاب می‌شوند که جهت شاخص‌های انتخاب شده مثبت باشد برخورداری بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد یعنی اگر مقدار شاخص بیشتر باشد ولی در صورتی که جهت شاخص منفی باشد عدد بزرگتر نشان‌دهنده محرومیت بیشتر بوده و در این شرایط باید کوچکترین عدد را به‌عنوان مقدار ایده آل انتخاب نمود. عددهای به‌دست آمده بین صفر تا یک است و هرچه عدد به یک نزدیکتر باشد نشانه توسعه‌یافتگی بیشتر است ابوموسی در بیشتر موارد رتبه آخر را داشته است.

جدول (۱): رتبه ابوموسی از نظر توسعه یافتگی در بخش‌های مختلف

ردیف	شاخص‌های بخش	درجه توسعه یافتگی	درجه ایده آل	رتبه	وضعیت توسعه
۱	کشاورزی	۹۹۶۳۷۱/	۹۷۸۶۳/	۱۱ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۲	آموزش و پرورش	۹۹۷۶۴/	۹۸۰۱۴/	۹	توسعه نیافته
۳	صنعت و معدن	۹۹۶۲۵/	۹۷۸۲۲/	۱۰ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۴	بهداشت و درمان	۹۵۶۹۰/	۳۰۱۷۳/	۱۲ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۵	امکانات شهری و روستایی	۱	۹۶۷۶۱/	۱۱ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۶	امور زیر بنایی	۹۹۹۹۸/	۹۹۹۹۴/	۳ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۷	آب	۱	۹۵۰۰۲/	۱۱ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۸	مخابرات	۹۹۹۹۸/	۹۹۹۹۴/	۳ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین
۹	راه	۹۹۸۷۱/	۹۸۸۸۸/	۱۰ (آخرین)	توسعه نیافته‌ترین

مأخذ: مؤلفین با استخراج از اسناد استانداری هرمزگان.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان ۹ بخش مورد نظر به استثنای آموزش و پرورش در سایر بخش‌ها ابوموسی در رتبه آخر قرار دارد. رتبه ۹ در بخش آموزش و پرورش نیز به علت کمبود تعداد دانش‌آموزان به ازای معلمین و همچنین وضعیت خاص آموزش و پرورش جزیره که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی است، می‌باشد. از لحاظ امکانات و تأسیسات زیر بنایی نیز تا به حال اقدام مهمی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی جزیره صورت نگرفته است و تنها یک شهرک برای استقرار بیش از ۳۰۰ صیاد ساکن جزیره احداث شده است در جهت استفاده از سایر توانمندی‌های جزیره نظیر گردشگری، تجارت و بازرگانی و حتی خدمات عمومی نیز اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است ضمن آنکه خدمات ایجاد شده برای کارکنان امنیتی و اداری جزیره نیز بسیار ناچیز است ساکنان جزیره برای تأمین مواد غذایی، آب شرب، خدمات پزشکی و گذران اوقات فراغت با محدودیت مواجه هستند برای مثال در این جزیره به دلیل نبود امکانات پزشکی هیچ کودکی متولد نمی‌شود و به دلیل فقدان امکانات رفاهی بسیاری از افراد از آوردن خانواده خود به این جزیره و زندگی مستمر در آن خودداری می‌کنند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

موانع توسعه ابوموسی

موانع سیاسی - حقوقی: موانع سیاسی و حقوقی ابوموسی عبارتند از:

- مسائل حقوقی: اگرچه در درون کشور همه مردم این جزیره را بخش لاینفک سرزمین ایران می‌دانند اما موانع حقوقی ناشی از توافقنامه بین ایران و شارجه در ۱۹۷۱م مانع از مالکیت تام ایران بر جزیره شده است. پس از آن که بریتانیا در سال ۱۹۰۳م این جزیره را اشغال نمود و پرچم شارجه را بر فراز جزیره برافراشت، ایران به این عمل بریتانیا اعتراض کرد و تا سال ۱۹۷۱م همواره بر ایرانی بودن جزیره تأکید کرد. به دنبال خروج بریتانیا از منطقه و پس از مذاکراتی که بین ایران، انگلیس و شارجه صورت گرفت تفاهم‌نامه‌ای بین ایران و شارجه صورت گرفت که طبق آن مقرر شد ایران کنترل جزیره را در اختیار گیرد. اما در مورد مالکیت آن توافقی بین طرفین صورت نگرفت. در مقدمه این تفاهم‌نامه آمده است: «ایران و شارجه از ادعای خود نسبت به مالکیت ابوموسی اعراض نکرده‌اند و هیچ‌یک ادعای دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند با این تفاسیر ترتیبات زیر مقرر می‌شود:

- نیروی‌های ارتش ایران به ابوموسی وارد می‌شوند و تا محدوده مقرر در نقشه منظم به یادداشت مستقر می‌شوند؛
- در محدوده استقرار نیروهای ایرانی، دولت ایران حق اعمال حاکمیت دارد و پرچم ایران به اهتزاز در می‌آید؛
- شارجه بر باقیمانده جزیره اعمال حاکمیت می‌کند و پرچم شارجه بر فراز مرکز پلیس شارجه نصب می‌شود، درست مثل پرچم ایران که بر فراز قرارگاه‌های ارتش ایران به اهتزاز در می‌آید (امیر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۹). همان‌طور که در متن تفاهم‌نامه آمده است این تفاهم‌نامه مالکیت جزیره را مشخص نمی‌کند و امضای آن به معنی تقسیم جزیره بین طرفین نیست. چنان‌که به دنبال این یادداشت تفاهم، وزیر امور خارجه وقت ایران در نامه‌ای به سر داگلاس هیوم^۲ وزیر امور خارجه بریتانیا نوشت که ایران در مواقع نیاز در اعمال حق حاکمیت تام خود تردید نخواهد کرد و وزارت خارجه بریتانیا اظهار داشت محتوی نامه را به اطلاع شیخ شارجه رسانده است. از سوی دیگر دولت ایران در گزارشی به مجلس شورای ملی اعلام کرد که ایران به هیچ‌وجه من‌الوجه از حق سلطه

۱. ترجمه غیررسمی یادداشت تفاهم ممهور به مهر اداره اسناد و آرشیو وزارت امور خارجه.

۲. Sir Douglas Hume

و حاکمیت مسلم خود بر سراسر جزیره ابوموسی صرف‌نظر نکرده و نخواهد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۸۰-۷۹).

اگرچه ایران از آن پس همواره بر مالکیت تام بر جزیره ابوموسی تأکید دارد اما به نظر می‌رسد تا حدودی سازوکار تفاهم‌نامه ۱۹۷۱م را پذیرفته است. در این راستا ایران مالکیت و حاکمیت خود را به استثنای بخش اندکی از جزیره که در اختیار شارجه است، تثبیت کرده اما موجودیت بخش عرب‌نشین تحت حاکمیت شارجه را نیز پذیرفته است. چنان‌که مسئولین وقایع اوت ۱۹۹۲م در ممانعت از ورود اتباع آن کشور را به داوری غلط مقامات محلی نسبت دادند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۸۱). امارات متحده عربی نیز کوشیده تا با طرح برخی مسائل حقوقی نظیر پیشگامی در اشغال و کنترل، منشأ عربی ساکنان، مکاتبات قرن ۱۹، مرور زمان، اجبار و اکراه و ترتیبات اداری موقت و همچنین کشاندن موضوع به سازمان‌های بین‌المللی به مقاصد خود برسد اما به دلیل بی‌اساس بودن ادعاها، نداشتن اسناد و تناقض‌گویی راه به جایی نبرده است^۱. با این حال اداره جزیره بر اساس قرارداد ۱۹۷۱م صورت می‌گیرد و این موضوع سبب شده تا ایران به‌رغم کنترل جزیره در ایجاد تغییرات زیاد در جهت توسعه جزیره کمی محتاط باشد.

روابط سیاسی با امارات متحده عربی و سایر کشورها: اقتدار سیاسی تثبیت شده می‌تواند وسیله‌ای نیرومند برای دخل و تصرف محیطی باشد و چارچوب تغییرات سازمان یافته چشم‌انداز را فراهم آورد (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۶۳). در مواردی که اقتدار دولت در محیط جغرافیایی تثبیت نشده باشد برای به‌وجود آوردن تغییرات سازمان یافته مورد نظر خود همواره با چالش مواجه خواهد بود. این چالش می‌تواند از سوی بازیگران خرد محلی، مافیا و گروه‌های فشار یا دولت‌های دیگر صورت بگیرد. در برخی موارد دولت‌ها مجبورند برای دستیابی به اهدافی استراتژیک و بزرگ‌تر با این نیروها با تعامل و تساهل رفتار کنند. همان‌طور که در مبحث قبل بیان شد، ایران و امارات متحده عربی بر سر مالکیت جزیره به توافقی دست نیافته‌اند اما ایران که در صدد است روابط صلح آمیزی با این کشور و به تبع آن با کشورهای عرب و شورای همکاری خلیج فارس داشته باشد تاکنون به جز در موارد معدودی از اقدامات سیاسی خود داری کرده است چرا که امارات به‌رغم مسائل موجود یکی از مهمترین شرکای اقتصادی ایران به شمار می‌رود. از سوی دیگر ایران در صدد است تا با دوری از اقدامات شتابزده و هیجانی در دوره‌ای که از سوی

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به منبع زیر مراجعه کنید:

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳)، جزایر تنب و ابوموسی: رهنمونی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

غرب تحت فشار قرار گرفته است در سطح منطقه با اعتمادسازی در بین همسایگان جایگاه و موقعیت خود را تثبیت کند. این امر سبب شده است که اقتدار سیاسی ایران در مورد ابوموسی تثبیت نشده باشد. خلاف تنش‌های موجود در روابط دو همسایه، ایران و امارات که منافع مشترکی از تماس با یکدیگر دارند، تلاش کرده‌اند تا تنش‌ها را در پایین‌ترین سطح ممکن نگه دارند (www.bbc.com) که پرهیز از موضع‌گیری‌های تند در برابر ادعاهای امارات متحده عربی و تلاش برای جلوگیری درگیری سیاسی و نظامی بر سر مالکیت و حاکمیت جزیره به تبع آن کم‌توجهی به توسعه جزیره در این راستا قابل تفسیر است.

ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری کلان: در توسعه هر ناحیه جغرافیایی عوامل مختلفی دخیلند اما نقش مدیریت توسعه بارزتر از سایر عوامل است. به عبارت دیگر توسعه یک محیط جغرافیایی در هر سطح نیازمند مدیریت توسعه‌گراست، که این مدیریت باید جدای از عقل محوری دارای دیدی جامع‌نگر باشد تا ضمن مشخص کردن اهداف و روش‌های درست از کلیه پتانسیل‌های محیطی استفاده کند. این امر در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران شکل نگرفته است. در بیشتر مباحث، مدیران و سیاست‌گذاران دارای دیدی بخشی‌نگر هستند که این امر یکی از مهم‌ترین موانع توسعه همه‌جانبه در کشور است. در عرصه مدیریت توسعه و سیاست‌گذاری کلان در کشور دو موضوع قابل بحث وجود دارد:

- حاکمیت نگاه مرکز محور (بعد سرزمینی) و تمرکزگرا (در تمامی ابعاد)؛

- موضوع دوم حاکمیت نگاه بری و خشکی محورانه.

نگاه مرکز محور امکان توجه به نواحی پیرامونی کشور را در برنامه‌ریزی‌های کلان محدود ساخته و بخش اعظم تلاش، توجه و قدرت کشور را در نواحی داخلی و مرکزی متمرکز ساخته است، همچنین تمرکزگرایی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سبب شده قدرت بازیگری و مانور افراد واحدهای پایین‌تر محدود شود. از سوی دیگر حاکمیت نگاه بری و خشکی محورانه سبب عدم توجه به پتانسیل‌های منحصر به فرد نواحی ساحلی و جزیره‌ای شده است. در جزیره ابوموسی نیز جدای از آن که مدیریت توسعه آن‌گونه که باید عمل نکرده است هر دو موضوع قبل صادق است. در مورد ابوموسی تصمیم‌گیری برای توسعه تا حد زیادی باید توسط مقامات عالی‌رتبه صورت گیرد زیرا تبعات مهمی سیاسی در پی خواهد داشت که ممکن است امنیت ملی را نیز به خطر اندازد و این امر اختیارات مسئولین محلی را در ایجاد تغییرات در سطح جزیره

محدود ساخته است (آشوری، ۱۳۸۶)^۱. اما جدای از آن این جزیره هم در پیرامون کشور واقع شده است و هم موقعیت آن وابسته به دریاست و همانند سایر مناطق ساحلی و جزیره‌ای قربانی نگاه بری و خشکی محور حاکم بر سیاست‌گذاری کلان کشور است و بدیهی است تا هنگام اصلاح این نگرش وضعیت این جزیره و موارد مشابه تغییری چشمگیر نخواهد داشت. چرا که در دنیای واقعی اگر قرار است تغییری رخ دهد سیاستمداران باید سیاست‌های جدیدی را شروع، حمایت یا قبول کنند (میر و استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۴۱۱).

مسائل و ملاحظات امنیتی

موقعیت استراتژیک ابوموسی در دهانه خلیج فارس و تنگه هرمز که روزانه ۲۰ درصد از صادرات نفت جهان از طریق آن صورت می‌گیرد (Henderson, 2008)، سبب شده تا کنترل این جزیره همواره مورد توجه قرار گیرد. کنترل جزیره ابوموسی به منزله کنترل و نظارت بر تنگه هرمز و مسیر حرکت نفت کش‌ها است. با توجه به چالش‌های بین ایران و قدرت‌های غربی از یک سو و چالش‌های احتمالی ایران و همسایگان از سوی دیگر این جزیره به منزله خط مقدم دفاعی ایران در جنوب کشور است، امری که ایران نیز بدان واقف است. چرا که این جزیره به همراه جزایر تنب کوچک و بزرگ، تکیه‌گاه‌های دفاعی خوبی برای تنگه هرمز و نقاط کنترلی خوبی بر کریدورهای دریایی خلیج فارس و فراهم کننده صحنه مناسب عملیات دریایی در پهنه خلیج فارس برای ایران می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۰۰) و کنترل این جزایر به منزله یک سپر دفاعی برای ایران محسوب می‌شود و امنیت ملی آن را حفظ می‌کند (Al roken, 2001: 189). جنگ خلیج فارس، حضور مستمر ناوگان آمریکا در منطقه و در سال‌های اخیر جنگ عراق سبب شده ایران از این جزیره به‌عنوان پایگاه نظامی استفاده کرده و تحولات و تحرکات منطقه را تحت نظر داشته باشد، هر چند که در گذشته نیز در دهه ۱۹۸۰م در خلال جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس ایران استفاده قابل توجهی از ابوموسی کرد (Dabbs, 1996: 335)

همان‌طور که ذکر شد ابوموسی در یک منطقه مرزی قرار دارد که تهدیدات استراتژیکی از این ناحیه متوجه ایران می‌شود و بدیهی است مرزی که منشأ تهدیدات استراتژیکی است، موجبات جذب بیشترین قوای استراتژیکی دفاعی دولت را مهیا می‌سازد (کریمی پور و کامران، ۱۳۸۰: ۱۲).

۱. برای مثال امیر تیموری فرماندار اسبق ابوموسی اظهار داشته است که: دخل و تصرف و ایجاد تغییرات شکلی در سطح زمین باید با اجازه مسئولین نظامی صورت گیرد امری که آنها به دلیل مسائل نظامی از آن امتناع می‌کنند (عملکرد دولت اصلاحات در استان هرمزگان، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

نتیجه چنین روندی رجحان نگرش دفاعی-امنیتی بر سایر نگرش‌های اقتصادی و سیاسی به جزیره بوده است. این امر حاکم شدن وضعیت و فضای نظامی-امنیتی بر این جزیره را در پی داشته و به تبع آن استفاده از سایر قابلیت‌های جزیره را تا حدود زیادی محدود کرده است.

محدودیت‌های جغرافیایی

وضعیت آب و هوایی: ابوموسی یکی از جنوبی‌ترین و نزدیک‌ترین مناطق ایران به استوا است، این حاکم بودن توده هوای پرفشار جنب حاره در بخش زیادی از سال که از یک سو سبب پایداری هواگرم و از سوی دیگر سبب عدم صعود هوای مرطوب و به تبع آن عدم ریزش‌های جوی می‌شود و قرار گرفتن در مسیر عبور توده‌های گرم شبه‌جزیره عربستان سبب گرمای هوا و پایداری آن در اغلب ماه‌های سال در این جزیره شده است. موارد مذکور به همراه موقعیت دریایی آن سبب شده است تا علاوه بر اندک بودن نزولات جوی، گرمای هوا و رطوبت بالا شرایط نامساعد اقلیمی را در این جزیره رقم بزند، به گونه‌ای که متوسط بارندگی سالانه آن در یک دوره آماری ۱۰ ساله از ۱۲۵ میلیمتر تجاوز نکند. این در حالی است که میانگین دمای سالانه در همین دوره ۲۶/۵ درجه سانتیگراد بوده است (همان: ۳۴) کمبود نزولات جوی سبب محدودیت منابع آب در جزیره شده است مجموع کل تغذیه سالانه ناشی از عوامل مختلف حدود ۳۱۷/۲۵ هزار مترمکعب پیش‌بینی شده که بخش قابل توجهی از این مقدار نیز بر اثر تماس با سازه تبخیری، گنبدهای نمکی و تبادل با آب شور دریا غیرقابل شرب است (گلوردی، ۱۳۸۱: ۶۱). آب شرب ساکنان جزیره به‌وسیله آب شیرین کن تأمین می‌شود که هم به‌لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست و هم کیفیت آن پایین است. فعالیت‌های کشاورزی نیز رونق ناچیزی دارد و سطح زیرکشت صرفاً به ۷۳ هکتار محدود می‌شود که دلیل آن علاوه بر محدودیت منابع آب کیفیت نامناسب خاک است.

انزوای جغرافیایی: انزوای جغرافیایی نقش مؤثری در توسعه‌نیافتگی مناطق مختلف دارد، این مسأله به‌خصوص در نظام‌های سیاسی-اداری متمرکز نمود بیشتری دارد چرا که در این نظام‌ها بیشتر تصمیم‌گیری‌ها در مرکز صورت می‌گیرد و دور بودن از مرکز کشور به معنی دور بودن از مرکز قدرت، ثروت و تصمیم‌گیری به‌شمار می‌رود و در موارد بسیاری مناطق پیرامونی به‌رغم داشتن توان‌های محیطی مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرند. واقع شدن ابوموسی در یکی از دور افتاده‌ترین نقاط استان هرمزگان که خود از دور افتاده‌ترین استان‌های ایران به‌شمار می‌رود نقش مؤثری در توسعه‌نیافتگی این جزیره دارد. فاصله ۲۱۳ و ۶۲ کیلومتری آن با شهرهای بندرعباس و بندر لنگه سبب شده تا ارتباط این جزیره با بدنه اصلی کشور با دشواری‌هایی مواجه

باشد. از سوی دیگر محصور بودن در دریا نیز این فاصله کارکردی آن را به مراتب بیشتر کرده است. موقعیت جزیره‌ای به خودی خود باعث محرومیت از حمل و نقل زمینی می‌شود و این امر سبب شده است تا انتقال بسیاری از امکانات و خدمات زیربنایی به این جزیره با مشکل مواجه شود و امکان تردد ساکنان جزیره با سایر شهرستان‌های استان با محدودیت جدی مواجه شود، به طوری که در حال حاضر آنها فقط قادرند از طریق یک فروند هواپیمای چارتر استانداری هرمزگان به بندر عباس مسافرت کنند.

عامل دیگری که نقش قابل توجهی در انزوای این جزیره دارد، تعدد جزایر کوچک و بزرگ در استان هرمزگان و نزدیکی این جزایر به سواحل است که ویژگی اخیر سبب شده بسیاری از فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های عمرانی و گردشگری در این جزایر مقرون به صرفه‌تر باشد، و این موضوع سبب شده تا در جذب سرمایه‌گذاری‌ها به‌عنوان رقیب عمل کرده و موجبات منزوی‌تر شدن جزیره ابوموسی را فراهم آورند.

به‌طور کلی انزوای جغرافیایی مانع ارتباط گسترده بین ابوموسی و بدنه کشور شده است که این امر جدای از آن که موجبات بی‌توجهی مسئولین به این جزیره را فراهم کرده باعث افزایش هزینه‌های عمومی و مقرون به صرفه نبودن بسیاری از فعالیت‌ها و جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف این جزیره شده است.

ناپایداری جمعیت: توسعه دستاورد انسان محسوب می‌شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۲۶)، که تعریف انسان، انسان آگاه برنامه‌ریز و در عین حال نیازمند است. بدیهی است قبل از هر چیز برای توسعه یک ناحیه باید جمعیت انسانی دارای ویژگی‌های فوق در آن وجود داشته باشد.

هرچند بسیاری از دانشمندان جمعیت زیاد را یکی از موانع توسعه می‌دانند اما این اصل در صورتی صادق است که تناسبی بین جمعیت و منابع موجود در یک محیط جغرافیایی نباشد ولی در بسیاری از مناطق به‌رغم وجود منابع طبیعی فراوان که به تبع آن فرصت‌های اقتصادی مناسبی برای افراد فراهم می‌شود، شاهد کمبود جمعیت و ناپایداری شدید آن هستیم. از جمله مناطقی که با این مشکل روبه‌رو هستند، مناطق مرزی است تا جایی که در بسیاری از کشورها کمبود و ناپایداری جمعیت به صورت ویژگی اصلی مناطق مرزی در آمده است. ریشه‌های این مسأله را در مرحله اول باید در کم توجهی به این مناطق و در پی آن توسعه‌نیافتگی آنها جستجو کرد. از سوی دیگر در شرایطی که مرزها محل ناآرامی‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل‌های امن‌تری کوچ می‌کند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۵).

در مورد ابوموسی هر دو دلیل فوق صادق است، این جزیره از یک سو مورد کم توجهی قرار گرفته، امری که توسعه نیافتگی آن را به دنبال داشته و از سوی دیگر به دلیل مسائل خاص امنیتی و سیاسی مرتبط با آن شمار زیادی از ساکنان اصلی خود را از دست داده است. در سال‌های اخیر هم گرچه تلاش‌هایی صورت گرفته است تا مشکلات جمعیتی این جزیره برطرف شود اما به دلیل مدنظر قراردادن بسیاری از ملاحظات و نبود زیرساخت‌های لازم این مهم میسر نشده است و در حال حاضر جمعیت آن انتقالی و تزییقی است (رهنمایی، ۱۳۸۵) و این تزییق و انتقال نه با خواست و اراده ساکنان بلکه غالباً با اراده دستگاه‌های دولتی صورت گرفته است چرا که گذشته از بسیاری از مسائل به دلیل شرایط خاص اقلیمی تنها ساکنان نوار ساحلی و جزایر قادرند در این جزیره زندگی کنند که امکانات زیر بنایی، رفاهی، آموزشی و تفریحی جزیره بسیار محدود است و این امر امکان زندگی عادی را در جزیره از بین برده است (اسفندیاری، ۱۳۸۷) این در حالی است که این جزیره پتانسیل‌های اقتصادی فراوانی دارد اما به علت نبود جمعیت و نبود نیروی انسانی این پتانسیل‌ها بدون استفاده مانده است، با توجه به نقش محوری نیروی انسانی در توسعه اجتماعی و اقتصادی، این امر این ضرورت را آشکار می‌سازد که برای توسعه این جزیره باید نیروی انسانی در آن اسکان داده شود (کامران، ۱۳۸۵: ۲۹)

جدول (۳): ناپایداری جمعیت در جزیره ابوموسی

سال	۱۲۸۹	۱۳۱۱	۱۳۲۰	۱۳۲۸	۱۳۲۹	۱۳۴۶	۱۳۵۰	۱۳۵۲	۱۳۶۲	۱۳۶۵	۱۳۷۸	۱۳۸۰
خانوار	-۴۰	۷	۱۰۰	۲۰۰	۱۴۰	۲۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۲۰۰	۶۱	۸۰۷	۱۰۸۳

نتیجه‌گیری

توسعه همه جانبه یک محیط جغرافیایی معلول عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و محیطی است و بدیهی است که برای رسیدن به توسعه مطلوب شرایط فوق باید به طور نسبی مهیا شود محیط طبیعی به خودی خود حتی اگر بسیار غنی هم باشد، نمی‌تواند موجبات توسعه را فراهم کند و تنها می‌تواند زیربنایی برای تجمع سایر موارد به وجود آورد که برآیند آنها توسعه آن محیط است حتی در بسیاری از موارد مشاهده شده است که محیط‌های طبیعی نه چندان غنی بستر توسعه قرار گرفتند که در این میان نقش سیاست و مدیریت بارز بوده است.

گرچه عوامل مختلفی در توسعه یا توسعه‌نیافتگی محیط‌های جغرافیایی دخیلند اما این به آن معنا نیست که برای هر کدام از آنها در فرایند توسعه ارزش و سهمی قائل شد که قابل تعمیم به سایر محیط‌های جغرافیایی باشد. این امر از آنجا نشأت می‌گیرد که محیط‌های جغرافیایی به‌رغم بسیاری از شباهت‌ها موجودیت‌های یکسانی نیستند و اصولاً نمی‌توان دو محیط را مشاهده کرد که ویژگی‌های یکسانی داشته باشند. حتی اگر دو محیط جغرافیایی در همه شرایط نظیر شرایط اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی کاملاً همسان باشند، صرف قرار داشتن در دو موقعیت متفاوت جغرافیایی (نسبی یا مطلق) فرایند توسعه آنها متفاوت خواهد بود، و فرایند توسعه آنها الزامات مختلفی را می‌طلبد. لذا ضروری است برای برنامه‌ریزی جهت توسعه یک محیط جغرافیایی همچنین تحلیل توسعه‌نیافتگی هر منطقه جغرافیایی عوامل مختلف که ممکن است به نوعی در فرایند توسعه‌ی آن دخیل باشند را عمیقاً مورد بررسی قرار داد و از تعمیم عجولانه پرهیز کرد.

گرچه در این پژوهش مؤلفین تلاش کردند تا حد امکان با دیدی جامع‌نگر و سیستمی این مسأله را مورد کنکاش قرار دهند اما بدیهی است که این پژوهش نیز کاستی‌ها خاص خود را دارد. کاستی‌هایی که بخشی از آن متوجه ماهیت تحقیق و مسأله مورد مطالعه است اما همان‌طور که در این پژوهش آمد مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، جغرافیایی، امنیتی و اقتصادی که ریشه در ابعاد محلی، ملی و بین‌المللی دارند، موجبات توسعه نیافتگی این جزیره را فراهم آورده است. در میان عوامل مختلفی که بیان شد بیشترین اهمیت و نقش را در توسعه‌نیافتگی این جزیره موقعیت آن دارد امری که بسیاری از پارامترهای دیگر تا حدود زیادی نشأت گرفته از آن است چرا که شرایط اقلیمی، انزوای جغرافیایی و تا حدودی کمبود جمعیت ارتباط مستقیمی با موقعیت آن دارند. قرار گرفتن در عرض‌های جغرافیایی پایین و نزدیک استوا سبب گرمای هوا و حاکم بودن توده پرفشار جنب حاره در غالب اوقات سال در این جزیره است، که نتیجه آن وضعیت نامساعد اقلیمی است. همچنین انزوای جغرافیایی آن نیز ناشی از قرار گرفتن در موقعیتی مرزی و حاشیه‌ای، موقعیت نسبی آن نسبت به سایر جزایر خلیج فارس و شرایط اقلیمی است. از

سوی دیگر ملاحظات امنیتی نیز با موقعیت این جزیره ارتباط دارد چرا که اهمیت استراتژیک آن به خاطر موقعیت نسبی آن در خلیج فارس و نزدیک بودن به گذرگاه انرژی است که مجموع موارد فوق کمبود و ناپایداری جمعیت را به دنبال داشته است. از سوی دیگر ادعاهای امارات متحده عربی مبنی بر مالکیت این جزیره و ملاحظات سیاسی دخیل در روابط این کشور و ایران که سبب شده است قرارداد ۱۹۷۱ م تلویحاً مبنای عمل طرفین قرار گیرد و این قرارداد اختیارات ایران را در توسعه این جزیره با محدودیت‌هایی مواجه کرده است، امری که نقش مهمی در توسعه نیافتگی جزیره دارد. هرچند که در سال‌های اخیر ایران با اعلام داشتن اختیار تام برای هر نوع تغییر در سراسر جزیره به جزء شهرک عرب‌نشین که با روح قرارداد ۱۹۷۱ م نیز مطابقت دارد، گام‌هایی را برای توسعه جزیره برداشته است. از سوی دیگر روابط ایران و امارات با کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا و در گذشته انگلیس نیز در توسعه جزیره مؤثر بوده است زیرا تا مادامی که چالش‌های موجود در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا ادامه داشته باشد و این کشور به پشتیبانی و حمایت همه جانبه از امارات متحده عربی بپردازد ادعاهای این کشور مبنی بر مالکیت ابوموسی ادامه دارد، امری که احتمالاً در دهه‌های آینده ادامه خواهد داشت. به‌طور کلی توسعه نیافتگی این جزیره معلول عوامل مختلفی است، برخی چون وضعیت خاک آن ریشه در محیط جزیره دارد و برخی چون عدم تخصیص اعتبارات کافی و تا حدودی انزوای جغرافیایی ریشه در عرصه ملی دارند، برخی دیگر از عوامل چون اهمیت استراتژیک و مسائل سیاسی ناشی از ادعاهای امارات ریشه در محیط بین‌الملل و ساخت حاکم بر آن دارند. اما آنچه مسلم است هیچ‌کدام از این عوامل به تنهایی باعث توسعه نیافتگی این جزیره نشده است بلکه نتیجه ارتباط عوامل مختلف توسعه نیافتگی این جزیره را در پی داشته است و در بسیاری از موارد ارتباط این عوامل با یکدیگر بسیار زیاد بوده است. فرضاً ارتباط بسیار پررنگی بین ملاحظات نظامی و ناپایداری جمعیت وجود دارد، به نحوی که زمان‌هایی که جزیره در معرض تهدیدات نظامی قرار گرفته و اهمیت دفاعی و استراتژیک آن بیشتر شده است بیشتر ساکنان جزیره آنجا را ترک کرده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد، لازم است برای توسعه همه جانبه این جزیره و استفاده از پتانسیل‌هایی آن به‌عنوان بخشی از قلمرو ملی مسئولین موارد زیر را مد نظر قرار دهند که عبارتند از:

- تأمین اعتبار کافی برای ساخت امکانات و تجهیزات زیربنایی؛
- تلاش برای جذب جمعیت پایدار با تأکید بر بومیان هرمزگان به علت قابلیت تطبیق با شرایط اقلیمی جزیره؛

- ارائه تسهیلات مالی برای ساخت و راه‌اندازی کارخانجات کوچک با تأکید بر قابلیت‌های جزیره؛
- توسعه صنعت گردشگری و کمک به بخش خصوصی برای رونق آن؛
- تلاش برای کاهش جو نظامی حاکم بر جزیره با مد نظر قرار دادن ملاحظات امنیتی؛
- پرهیز از ایجاد تنش در روابط با امارات متحده عربی و در عین حال پافشاری و تأکید بر ایرانی بودن جزیره و اعلام آمادگی برای رفع سوء تفاهم مرتبط با مالکیت آن؛
- بهبود و تجهیز زیرساخت‌های ارتباطی نظیر خطوط حمل و نقل دریایی و هوایی بین ابوموسی و سواحل ایرانی خلیج فارس به‌خصوص جزایر و بنادر استان هرمزگان.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ هفتم، تهران، کیهان.
۲. افشارسیستانی، ایرج، (۱۳۷۴)، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک، چاپ دوم، تهران، وزارت امور خارجه.
۳. امیر احمدی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، جزایر خرد و سیاست‌های کلان: جزایر تنب و ابوموسی در خلیج فارس، ترجمه اسدالله امرایی، تهران، کتابسرای تندیس.
۴. جردن، تری و راوتتری، لستر، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶)، نگاهی تاریخی به جزایر تنب و ابوموسی، تهران، وزات امور خارجه.
۶. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۲)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ سوم، تهران، سمت.
۷. دفتر کل آمار و اطلاعات استانداری هرمزگان (۱۳۸۶): سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ استان هرمزگان، بندرعباس، استانداری هرمزگان.
۸. رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، هویت تعریف شده: لزوم برنامه‌ریزی برای جمعیت بومی جزایر، ماهنامه پیام دریا، سال پانزدهم، شماره ۱۵۴، آذر ۱۳۸۵.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان، (۱۳۸۳)، کارنامه دولت اصلاحات در استان هرمزگان: ابوموسی تکه ای از ایران، (مصاحبه با امیر تیموری) بندرعباس، معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان
۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان، (۱۳۸۵)، تعیین درجه توسعه‌یافتگی، شهرستان‌های استان هرمزگان با استفاده از روش تاکسونومی، بندرعباس، معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان.
۱۱. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد سوم، جنوب و جنوب شرق کشور، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۲. عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.
۱۳. کامران، حسن، (۱۳۸۵)، نگاه یکسان به دریا و خشکی: بررسی عوامل عدم توسعه‌یافتگی در جزایر، ماهنامه پیام دریا، سال پانزدهم، شماره ۱۵۴، آذر ۱۳۸۵.
۱۴. کریمی پور، یدالله و کامران، حسن، (۱۳۸۰)، نگاهی نو به طبقه‌بندی استراتژیک مرزها (با تأکید بر مرزهای ایران) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۰.
۱۵. کوسج، فاطمه نسا و رجبی، اعظم، (۱۳۸۶)، آمارنامه شهرستان ابوموسی بندرعباس، معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان.

۱۶. گلوردی، عیسی، (۱۳۸۱)، جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک)، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۳)، جزایر تنب و ابوموسی: رهنمونی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. مصاحبه‌ی نگارنده با محمد آشوری معاون سیاسی- امنیتی سابق استانداری هرمزگان و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۶.
۱۹. مصاحبه‌ی نگارنده با محمد اسفندیاری معاون امور اجتماعی استانداری هرمزگان در فروردین ۱۳۸۷.
۲۰. میر، جرالد و استیگلیتز جوزف، (۱۳۸۰)، پیشگامان اقتصاد توسعه آینده در چشم‌انداز، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نشر نی.
۲۱. هودر، روپرت، (۱۳۸۵)، جغرافیای توسعه در ایران و جهان، ترجمه فضیله‌خانی و ناصر جوادی، تهران، نشر قومس.
22. Al Roken ,Mohamed Abdullah, (2001), Dimensions of the UAE –Iran Dispute over Tree Island ,UNITED ARAB EMIRATES:A NEW PERSPECTIVE, Ministry of Information And Culture, Abu Dhabi.
23. Henderson, Simon, (2008), The Persian Gulf's 'Occupied Territory': The Three-Island Dispute,The Washington Institute for Near East Policy <http://www.washingtoninstitute.org/pdf.php?template=C05&CID=2927>.
24. Dabbs, W. Corbett ,(1996), Abu Musa Island Dispute Between <http://www.american.edu/ted/abumusa.htm>.
25. http://www.bbc.com.uk/persian/iran/story/2008/08/printable/080816_abomusa.shtml.